رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۳۲، بهمن ماه ۱۳۹۷
Rooyesh-e-Ravanshenasi, *7*(11), 2019

پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی

The Consequences of Divorce for the Divorced Person: A Qualitative Study

Dr. Mojgan Hayati *
Assistant Professor at Payam Noor University
mozhgan.hayati@yahoo.com
Shahla Soleimani
Master of Science in Payame Noor University of Iran.

Abstract

In recent years, due to the increase in divorce statistics in the country, the regard to consequences of this phenomenon have been extended to those who have experienced it. Therefore, the purpose of this study is qualitative study of divorce consequences for divorced people. This study is a phenomenological qualitative study in which 20 participants (8 males and 12 females) were selected using purposive sampling. Deep and exploratory interviewing method was used to collect data and this process continued to saturation stage. The consequences of divorce include 12 sub-themes, which are classified in three main themes: 1. social and cultural consequences; 2. economic and financial consequences; 3. personal and emotional outcomes. The results of this study have many achievement for counseling centers and divorce professionals. Understanding the Divorce Experience As described in this study, it can help couples and experts involved in this phenomenon to make decisions and interventions based on culture and sexuality.

Key words: divorce, divorce consequences, phenomenology

دکترمژگان حیاتی (نویسنده مسئول)
استاد یار گروه مشاوره دانشگاه پیام نور
شهلا سلیمانی
کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور ایران

چکیده

در سال‌های اخیر با توجه به افزایش آمارهای طلاق در کشور توجه به پیامدهای این پدیده برای افرادی که آن را تجربه کرده‌اند گسترش‌یافته است. از این رو هدف پژوهش حاضر مطالعه کیفی پیامدهای طلاق برای افراد مطلقه است. پژوهش حاضر یک مطالعهٔ کیفی از نوع پدیدارشناسی است که در آن ۲۰ شرکت‌کننده (۸ مرد و ۱۲ زن) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبهٔ عمیق و اکتشافی استفاده شد و این روند تا مرحلهٔ اشباع داده‌ها ادامه داشت. پیامدهای طلاق شامل ۱۲ زیر مضمون بوده است که در سه مضمون اصلی ۱- پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ۲- پیامدهای اقتصادی و مالی ۳- پیامدهای شخصی و هیجانی طبقه‌بندی‌شده است. نتایج این مطالعه دستاوردهای فراوانی برای مراکز مشاوره و متخصصان حوزه طلاق در بردارد. فهم تجربه پیامدهای طلاق برای افراد مطلقه، آن‌گونه که در این مطالعه آمده است، می‌تواند به زوجین و متخصصین درگیر در این حوزه برای تصمیم‌گیری و مداخلات مبتنی بر فرهنگ و جنسیت کمک کند.

واژه‌های کلیدی: طلاق، پیامدهای طلاق، پدیدارشناسی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

مقدمه

در سال‌های اخیر با گسترش آمار طلاق در کشور اهمیت پژوهش در مورد این پدیده را بیشتر کرده است. گاتمن[1] (۲۰۱۳) پژوهشگر خانواده و ازدواج عقیده دارد که طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل برای زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پائین برای فرزندان دارد. طلاق سلامت روانی و فیزیکی زنان، مردان و فرزندان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آماتو[2]، ۲۰۱٤). بخشی از تحقیقات طلاق به پیامدهای طلاق برای زنان، مردان و کودکان پرداخته‌اند. برای نمونه کلانتری، روشن‌فکر و جواهری (۱۳۹۰ الف) با مرور نظام‌مند سه دهه تحقیقات طلاق در کشور به این نتیجه رسیدند که طلاق دارای پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی است که نه‌تنها موجب آسیب به سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه می‌شود بلکه در تحلیلی حساس به جنسیت می‌تواند مانع نقش‌آفرینی زنان و به حاشیه راندن و استثمار آن‌ها می‌شود. تحقیقی دیگر بر روی زنان مطلقه پیامدهای این پدیده در سه سطح خرد (احساس ضرر و شکست مالی و روانی، تنهایی و ...)، میانی (نگرانی از آینده فرزندان، تعارض با خانواده و...) و کلان (مشکلات مالی و اقتصادی، انگ خوردن و ...) تقسیم‌بندی کرده است (حسنی، قدرتی و امید پور، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش دیگر نشان داد زنان مطلقه در مقایسه با مردان مطلقه شرایط حادتر اجتماعی را در زمان طلاق تجربه می‌کنند. بدین معنی که آن‌ها بااحساس طردشده، سردی و سرزنش بیشتری از سوی اطرافیان نزدیک روبرو هستند، درنهایت این تحقیق نشان داد که پیامدهای طلاق ازنظر اقتصادی اجتماعی، روانی و عاطفی بین زنان مطلقه مقیم ایران در هریک از سه مرحله (قبل، حین و بعد) از طلاق نامطلوب‌تر از مردان ایرانی است (سیف، ۱۳۸۳). نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد مطلقه دارای میزان بهزیستی پایین، نشانه‌های درماندگی و خودپنداری ضعیف‌تر هستند. به‌طوری‌که کلیه ابعاد کیفیت زندگی (سلامت فیزیکی، روان‌شناختی و روابط اجتماعی و محیطی) زنان مطلقه به‌صورت معناداری کمتر از زنان غیر مطلقه است (حفاریان، آقایی، کجباف و کامکار، ۱۳۸۸). مشکلات عاطفی در آغاز برای مردان شدیدتر به نظر می‌رسد؛

[1] .Gottman
[2] .Amato

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

اما برای زنان استمرار بیشتری دارد؛ درحالی‌که هردوی آن‌ها در سال اول پس از طلاق؛ عزت‌نفس پایین؛ سردرگمی نقش؛ خشم؛ اضطراب؛ تردید و افسردگی را تجربه می‌نمایند وزنان دو برابر بیشتر از مردان احتمال دارد که دچار افسردگی شوند (مک نایت[1]، ۲۰۰۹) .برک[2] (۲۰۰۰) معتقد است افرادی که طلاق را تجربه کرده‌اند، با کشمکش‌های متعدد فردی و بین فردی مواجه‌اند. در این فرایند، هویت آشفته، فقدان امید، تغییر در سبک زندگی و مشکلات جدی در روابط اجتماعی و شغلی از پیامدهای طلاق هستند (به نقل از سیف، ۱۳۸۳). پژوهش‌های کمتری تاکنون به بررسی تجربه طلاق در فرد مطلقه و بررسی علل و پیامدهای آن از دیدگاه فردی که طلاق را تجربه کرده‌اند پرداخته‌شده است. درحالی‌که تجربه جدایی و طلاق در زوجین اغلب دارای معانی مختلف مربوط به واقعیت‌های قبل، حین و بعدازآن است. گومز –دیاز[3] (۲۰۱۱) در مصاحبه عمیق با زنان مطلقه به این نتیجه رسید که آن‌ها احساسات و عواطف تجربه‌شده خود را مانند یک داستان دردناک بازگو می‌کنند. آبد[4] (۲۰۱۵) در بررسی تجربه زیسته زنان روستایی اتیوپی از طلاق نشان داد برخی از داستان‌های زنان مصاحبه، نشان از طرد اجتماعی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به دلیل طلاق تحت درمان قرارگرفته‌اند. آن‌ها بعد از طلاق ازنظر اجتماعی دوستان متأهل خود را ازدست‌داده‌اند و احساس شرم می‌کردند که ازدواجشان بادوام نبوده و خیلی وحشت‌زده به ایجاد ارتباط با دوستان قدیمی می‌پرداختند. در یک پژوهش داخلی به شکل کیفی با عنوان درک تجربه پس از طلاق در زنان با پژوهشی کیفی به این نتیجه رسیده‌اند که زنان مطلقه در جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و از مهم‌ترین دغدغه‌های کشف‌شده میان زنان مشارکت‌کننده شامل تبعیض جنسیتی به دنبال تغییر وضعیت تأهل، ناپذیرا بودن و به حاشیه رانده شدن زن به دنبال طلاق است (زارعی، مرقان خویی، تقدیسی و مصلحی،۱۳۹۲). از تحقیقات کیفی گذشته در مورد تجربه طلاق (زارعی وهمکاران، ۱۳۹۲؛ محمد پور، ۱۳۹۳؛ فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱؛ الحسینی،۱۳۹۰؛ عنایت زاده،۱۳۸۸؛ آبد، ۲۰۱۵؛ گومز–دیاز،۲۰۱۱؛ شارما[5]،۲۰۱۱) می‌توان استنباط کرد که تجربه زیسته فرد از پدیده طلاق دارای اهمیت است،

[1].Mcknight
[2].Berk
[3] .Gómez-Díaz
[4] .Abed
[5]. Sharma

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

تجربه طلاق تحت تأثیر جنسیت است به این شکل که زنان تجربیات جنسیتی بیشتری بعد از طلاق دارند همچنین تجربه طلاق تحت تأثیر بستر اجتماعی و فرهنگی شخص مطلقه قرار دارد. یکی از مشکلات تحقیقات گذشته این است که اکثر تحقیقات داخلی گذشته به شکل کمی به بررسی پیامدهای طلاق پرداخته‌اند و کمتر به بررسی کیفی و عمیق تجربه طلاق در افراد مطلقه پرداخته‌شده است. در پژوهشی با عنوان مرور سه دهه پژوهش‌های طلاق اشاره‌کرده‌اند که تنها ۷/۳ در صد تحقیقات گذشته در مورد علل طلاق به شکل کیفی صورت گرفته است و تنها ۱/۱ درصد از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات گذشته به‌وسیله مصاحبه بوده است (کلانتری، روشن فکرو جواهری،۱۳۹۰ب). همچنین اکثر تحقیقات کیفی گذشته به تجربه زنان از پیامدهای طلاق پرداخته‌اند و مشارکت‌کنندگان آن‌ها اکثراً زن بوده‌اند. تحقیق حاضر برای پر کردن شکاف تحقیقات گذشته در پی بررسی پیامدهای طلاق با رویکرد کیفی بوده است و در کنار مشارکت‌کنندگان زن از مشارکت‌کنندگان مرد نیز برای مقایسه عوامل تجربه آنان استفاده کرده است.

از جانبی دیگر در پدیده طلاق ملاحظات فرهنگی و اجتماعی وجود دارد چراکه طلاق در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است (مووره وشوبل[1]، ۱۹۹۳)؛ بنابراین به دلیل بافت نگربودن تحقیقات کیفی (کرسل[2]، ۲۰۱۳) تحقیق حاضر تلاش کرده است تا با رویکرد کیفی و مطالعه عمیق پدیده از دیدگاه خود افراد مطلقه به بررسی پیامدهای طلاق در افراد مطلقه بپردازد؛ در نهایت با توجه به رشد آمارهای طلاق در کشور، شکاف تحقیقات گذشته در بررسی کیفی پیامدهای طلاق بخصوص برای فرد مطلقه و تجربه طلاق در بافت جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی برای فرد مطلقه؛ سؤال اصلی این پژوهش بدین گونه است که پیامدهای طلاق از دیدگاه افرادی که این پدیده را تجربه کرده‌اند چیست؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی[3] انجام شد. پدیدارشناسی به‌صورت ویژه مطالعه تجربه زیسته یا زیست جهان مردم است (ون مانن[4]، ۲۰۱۶). مسئله اصلی

[1].Moore & Schwebel
[2].Creswell
[3] .Van Manen
[4] .phenomenology

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

در کاربرد پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده موردنظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟ مطالعه کیفی پیامدهای طلاق در ازدواج با تمام اهمیتی که دارد هنوز در پژوهش‌های گذشته به‌اندازه کافی روشن نشده است. ازاین‌رو در این پژوهش از روش فوق استفاده شد. محل جغرافیایی زندگی مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر شهر سنندج در استان کردستان در طول سال‌های ۹۲-۹۳ بود. شرکت‌کنندگان در این مطالعه با به‌کارگیری مفهوم نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای نمونه‌گیری هدفمند در این پژوهش عبارت بودند از: شرکت‌کنندگان تجربه طلاق را داشته باشند، حداقل یک ماه تجربه زندگی مشترک داشته باشند، شرکت‌کنندگانی که طلاق را تجربه کرده‌اند حداقل سه ماه و حداکثر ده سال از لحظه طلاقشان گذشته باشد، شرکت‌کنندگان دوباره ازدواج‌نکرده باشند، سن شرکت‌کنندگان کمتر از ۱۵ سال و بالای ٤۹ سال نباشد و شرکت‌کنندگان قادر و مایل به صحبت کردن در مورد تجاربشان از زندگی زناشویی و طلاق باشند. معیار تعیین حجم نمونه در پژوهش حاضر اشباع داده‌ها بوده است. در مطالعه حاضر مصاحبه با ۲۰ شرکت‌کننده (۱۲ زن و ۸ مرد) به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، داده‌ها را به اشباع رساند. استراتژی جمع‌آوری داده‌ها استفاده از مصاحبه عمیق و سؤال‌های باز پاسخ همراه با سؤال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق بود. بعد از ضبط هر مصاحبه از داده‌های حاصل از مصاحبه، رونوشت برداری توسط محقق انجام شد. بعد از خواندن مجدد نسخه‌ها و انطباق آن با فایل‌ها ضبط‌شده، به‌منظور چک کردن دقت و صحت محتویات نسخه یک کپی از نسخه مربوطه برای هر شرکت‌کننده فرستاده شد و بعدازآن در صورت وجود هر خطا یا ازقلم‌افتادگی تصحیح شد. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۹۰-٦۰ دقیقه متغیر بود. زمان و مکان مصاحبه‌ها توسط خود شرکت‌کنندگان به‌دلخواه تعیین شد. مصاحبه‌ها با یک سری سؤال کلی و باز با این مضمون که بعد از طلاق چه چیزی را تجربه کردید؟ طلاق برای شما چگونه تجربه شد؟ این تجربه خود را چگونه توصیف می‌کنید؟ شروع شد و در ادامه برای کشف عمیق پدیده از سؤالات پیگیرانه مانند می‌توانید دراین‌باره بیشتر توضیح دهید؟ استفاده شد. مسائل اخلاقی رعایت شده در این پژوهش شامل: کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط محتوای مصاحبه، اطمینان به محرمانه باقی ماندن اطلاعات و استفاده از اسم مستعار برای آن‌ها و همچنین حق انصراف از پژوهش در تمامی مراحل تحقیق به مشارکت‌کنندگان بود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

روش اصلی تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر روش تحلیل مضمون بوده است. تحلیل مضمون علاوه بر کاربرد گسترده در دیگر روش‌های کیفی در پدیدارشناسی نیز کاربرد دارد که بر روی تجربه ذهنی انسان‌ها تأکید می‌کند. در این رویکرد تأکید بر ادراک شرکت‌کنندگان، احساسات و تجربیات آن‌ها از موضوع موردمطالعه است مراحل تحلیل مضمون شامل شش مرحله نزدیک شدن به داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، مرور و بازبینی مضمون‌ها، تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و تهیه گزارش است. (گاست و مک کوئن[1]، ۲۰۱۲).

جهت اعتمادپذیری داده‌ها از چهار معیار جداگانه گوبا و لینکلن[2] (۱۹۹٤، به نقل ازکرسل، ۲۰۱۳) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل هر مصاحبه به مشارکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت‌وسقم نتایج تائید شد و تغییرات لازم اعمال گردد. جهت تضمین قابلیت تصدیق داده‌ها محقق یک فرایند فعال در پرانتزگذاری را اعمال کرد تا از ورود پیش‌فرض‌های محقق جلوگیری شود. جهت تضمین قابلیت اطمینان متن مصاحبه جهت کدگذاری به همکاران پژوهشگر داده شد و ضریب توافق بالای ۸۵ درصد در این زمینه به دست آمد. جهت افزایش قابلیت انتقال داده‌ها از حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان همچون جنس (۱۲ مرد و ۸ زن)، سطح تحصیلات (راهنمایی تا لیسانس)، تعداد فرزندان (۱ تا ۳)، شغل (خانه دار تا بیکار و شاغل) و سن (۱۸ تا ۳۰) استفاده شد.

یافته‌ها

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۲۱٦ کد اولیه،۱۲ مضمون فرعی و ۳ مضمون یا درون‌مایه اصلی شد که در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱: نمونه تحلیل داده‌ها در زمینه پیامدهای طلاق

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی	کدها	نقل‌قول
ادراک پیامدهای اجتماعی فرهنگی	اعمال کنترل	تجربه محدودیت	خونه پدر بیشتر محدود شدم.
		عدم استقلال	
	انگ اجتماعی	بیوگی	دیگر نمی‌توانم برای خودم تصمیم بگیرم
		لفظ مطلقه	

[1] .Guest&, MacQueen
[2].Guba & Lincoln

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

	سردی روابط	قطع رابطه دوستان متأهل	همه‌جا میگن زن بیوه
	اطرافیان	محدودیت رابطه به دوستان	از این لفظ بیزارم
		مطلقه	با من سرسنگین شدند.
	مورد طمع واقع‌شدن	مزاحمت‌های جنسیتی	بیشتر هم‌رنگ‌های خودت
		طمع جنسی شدن در	هستن.
	دشواری ازدواج	جستجوی شغل	همه‌جا مزاحمت میشن
	مجدد	محدودیت فرصت‌ها	اگربدونن.
		راحتی ازدواج مردان مطلقه	اول این خواسته رو دارن
	هراس از ازدواج	ترس از تکرار تجربه	میفهمن.
	فقدان فرصت	گذشته	فرصت مناسب کم است.
	ازدواج مجدد	داشتن فرزند	اونا با هرکی بخوان میتونن.
		سن بالا	همش ترسم اون گذشته
		فرصت‌های نامناسب	است.
	زن در جایگاه اتهام	قرار گرفتن در جایگاه	فرزندانم اولویت دارن.
	شیء شدگی	تقصیر	دیگه جوان نیستم.
		نگاه ابزاری	فرصت‌های نامناسب پیش
			میاد.
			همش میگن تقصیر توبود.
			مانند یک جنس دست‌دوم
			هستی.
ادراک پیامدهای اقتصادی	درک مشکلات مالی	نداشتن حمایت مالی	کسی نیست مالی حمایتم بکند.
	بعد از طلاق	مهریه	مهریه سنگین پشتم شکست.
		حضانت فرزند	فرزندانم هستند.
		مشکلات مالی	بیشترمشکلاتم مالی است
ادراک پیامدهای شخصی و هیجانی	احساسات بعد از	تنهایی، شکست، تقصیر،	همش احساس تنهایی دارم.
	طلاق	تنفر، پشیمانی، قربانی	قربانی یک زندگی شدم.
		بودگی، خشم، اقدامات	اعتیادم بیشتر شد.
		رفتاری، اشتغال فکری	بارها به روانپزشک رفتم.
	خطرات سلامت	افسردگی	پراز افکار منفی هستم.
	روانی بعد از طلاق	بدبینی و افکار منفی	زنان همشون اینطورین.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

تجربه زنان شرکت‌کننده در این پژوهش نشان می‌دهد که برای زنان بیشترین پیامدها در بعد اجتماعی و فرهنگی وجود داشته است. ابعاد اجتماعی طلاق که مشارکت کنندگان در این بررسی به آن اشاره‌کرده‌اند، شامل زیر مضمون های اعمال کنترل، انگ خوردن، ترحم اطرافیان و سردی روابط آنان، مورد طمع واقع‌شدن، نگاه ابزاری و دشواری امر ازدواج مجدد بوده که همگی خاص دوران بعد از طلاق می‌باشند. زنان بعد از طلاق نیز از برداشت منفی دیگران هراس داشته‌اند و دچار فوبیای قضاوت منفی دیگران شده‌اند. مزاحمت‌های جنسی ازجمله چالش‌های دیگری بود که زنان بعد از طلاق به‌کرات با آن مواجه شده بودند. گفته‌های زنان دال برتصوری دوگانه در مورد ازدواج مجدد بوده است به‌نحوی‌که هم نسبت به آن برانگیخته‌شده و هم تحت تأثیر تجارب قبلی‌شان از آن هراس داشته‌اند. ازجمله این موانع تحقق فرصت‌های کمتر زنان نسبت به مردان در امر ازدواج مجدد است. فقدان فرصت ازدواج بعد از طلاق از عامل سن مشارکت‌کنندگان نیز تأثیر پذیرفته است و با افزایش سن، «زنان بیوه و مطلقه» با احتمال کمتری ازدواج مجدد خواهند داشت. وجود فرزند نیز به‌عنوان عامل از دست رفتن فرصت ازدواج به آن اشاره‌شده است. زنان مشارکت‌کننده این پژوهش بیان داشته‌اند که نگاه اجتماعی و فرهنگی آنان را مقصر قلمداد کرده است، شاید سخت‌ترین بعد پیامدهای اجتماعی برای زنان مطلقه که به آن در این پژوهش اشاره‌کرده‌اند، نگاه ابزاری و شیء جامعه بدان‌ها است. در توصیف مشارکت‌کنندگان این نگاه زن مطلقه را به سطح یک شیء تهی می‌کند و آن‌ها را از وجود انسانی محروم می‌کند. به عنوان نمونه زهره در این مورد می گوید «همه جا میگویند فلانی مطلقه است انگار جنس دسته دوم هستیم خیلی اجتماع و فرهنگ نگاه منفی به این قضیه دارد». مردان شرکت کننده در بعد اجتماعی و فرهنگی طلاق را برای خود منفی ارزیابی کرده اند اما شدت تجربه زنان را از این پیامدها نداشته اند به عنوان نمونه فرصت ازدواج مجدد را همانند زنان برای خود دشوار ارزیابی نکرده اند. به عنوان نمونه امید در این مورد می گوید «طلاق که چیز خوبی نیست برای ما مردها هم بد است اما زنان بیشتر ضربه می خورند بالاخره الان من دوباره می تونم به راحتی ازدواج مجدد کنم».

پیامدهای اقتصادی و مالی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

زنان در این پژوهش ابراز کرده‌اند که بیشتر در معرض مشکلات و آسیب‌های اقتصادی قرارگرفته‌اند این مسئله برای زنان کم‌سواد و خانه‌دار نیز به‌صورت حادتری جلوه کرده است، بعد از طلاق و بالأخص زمانی که حضانت فرزند نیز بر عهدهٔ آنان بوده است، دشواری مسائل اقتصادی برای زنان مطلقه دوچندان گردیده است. در بستر اقتصادی مردان نیز همانند زنان نگرانی‌هایی داشته‌اند و از پیامدهای اقتصادی طلاق می‌ترسند و این مشکلات را ادراک کرده اند؛ بنابراین از لحاظ ادراک مشکلات مالی بعد از طلاق هر دو جنس سختی های در این زمینه ادراک کرده اند.

پیامدهای شخصی وهیجانی

پیامدهای شخصی بعد از طلاق برای زنان شامل احساسات منفی بعد از طلاق و مشکلات روانی بعد از طلاق بوده است. اکثر آن‌ها درروند طلاق قادر به بازسازی خود نبوده و اعتمادبه‌نفس خود را ازدست‌داده و بر بی باوری‌شان نسبت به خود افزوده و به برداشتی منفی از خود دست‌یافته‌اند که منجر به پیدایی مجموعه‌ای از احساسات متعدد نظیر احساس تنهایی، حقارت، شکست، قربانی بودگی، تقصیر، تنفر و پشیمانی در آن‌ها گردیده است، تجربه تنهایی برای زنانی که دوران زناشویی طولانی‌تر داشته‌اند بیشتر احساس شده بود، زنان مطلقه در ارزیابی گذشته احساس شکست را تجربه کرده‌اند، تجربه طلاق برای مشارکت‌کنندگانی که در این پژوهش متقاضی طلاق نبوده‌اند به نسبت مشارکت‌کنندگانی که متقاضی طلاق بوده‌اند دشوارتر بوده است و آن‌ها احساس قربانی بودگی بیشتر کرده‌اند، در این بررسی تعدادی از شرکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند که از خودشان تنفر دارند و چنین احساسی نیز معمولاً زمانی ظهورمی کند که افراد خود را در امر طلاق مقصر بدانند، چنان چه بعد از طلاق، دستاوردها و منافعی را که فرد به دست آورده بیش از هزینه‌هایی بوده باشد که فرد در این فرایند ازدست‌داده است، فرد از تصمیم خود رضایت خواهد داشت؛ اما زنان در این بررسی در غالب موارد بدون در نظر گرفتن چنین محاسباتی و بدون توجه به واقعیات طلاق اقدام به عمل و یا پذیرش آن کرده‌اند، پس باگذشت مدت کوتاهی و در مقایسه وضعیت جدید خود با گذشته اظهار پشیمانی کرده‌اند. افسردگی شایع‌ترین مشکل روانی در میان زنان مشارکت‌کننده این پژوهش بوده است. مشارکت‌کنندگان زن این پژوهش در یک دوره بعد از طلاق علائم افسردگی مانند بدبینی، ناامیدی، افکار منفی در مورد خود، کسلی و بی‌حالی و بسیاری دیگر از نشانگان جسمانی را

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

نشان داده‌اند، دیگر مشکلات روانی مانند اضطراب و نگرانی مزمن در مورد آینده، ناامیدی، بدبینی، خشم معطوف به خود برای زنان مطلقه مشارکت‌کننده این پژوهش پیش‌آمده بود. همه زنان مشارکت‌کننده این پژوهش بعد از یک دوره کوتاه ناشی از احساس رضایت از جدایی نشانه‌های به خطر افتادن سلامت روانی را تجربه کرده‌اند. نمونه‌هایی از نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان زن در این پژوهش که این پیامدها را تجربه کرده‌اند به شکل ذیل است: ژاله از تغییر وضعیت کنونی خود در خانواده نسبت به قبل چنین می‌گوید: «این دوره هم محدودیت‌هایی را دارد. من قبلاً خودم که همیشه بیرون بودم و خودم خرید خانه را انجام می‌دادم. به کارهای پسرم رسیدگی می‌کردم؛ اما الآن اصلاً نمی‌توانم و این وضعیت برایم دشواراست». زهره زندگی زناشویی را با همه مسائلی که با آن درگیر بوده ترجیح می‌دهد و درباره ترجیح آن موقعیت چنین می‌گوید: «وقتی‌که انسان ازدواج می‌کند خودش رئیس خانه است؛ اما در خانه پدرت این‌گونه نیست. وقتی به‌عنوان مطلقه به آن خانه برمی‌گردی اعضای خانواده همیشه می‌خواهند مواظبت باشند». «زهرا» که در مدت این ۷ ماهه به مقدار زیادی خود را محدود کرده است هراس خود را از قضاوت منفی دیگران چنین بازگو می‌کند: «بازار بروم می‌گویند که بیوه است احساس می‌کنم که چنین چیزهایی را خطاب به من خواهند گفت. فکرمی کنم اگر ۲ بار جلوپنجره اتاقم هم بروم می‌گویند که بیوه است و خسته و تشنه ازدواج است. جامعه ما این‌گونه است». نگار راجع به تغییر روابط و سردی روابط دوستانی که به قول خودش هنوز ازدواج‌نکرده‌اند چنین می‌گوید: «با یکی از دوستانم هر موقع که تماس می‌گیرم مادرش می گویدکه خانه نیست. با آن ۲ دوستم هم که تماس می‌گیرم به‌اندازه‌ای سرد جوابم را می‌دهند حتی دوست ندارم که تماس بگیرم».

تجربه مردان شرکت‌کننده در این پژوهش نشان داد که در بحث پیامدهای طلاق نیز تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این تفاوت‌ها را در مشارکت‌کنندگان این پژوهش به وجود آورده بود این عامل بود که زنان بیشتر مشکلات و ناراحتی‌هایشان را بروز داده‌اند اما مردان در این امر خوددارتر بوده‌اند و به خاطر تربیت مردانه به‌راحتی از مسائل و مشکلات خود حرف نمی‌زنند به همین دلیل پیامدهای طلاق برای زنان مشارکت‌کننده این پژوهش مشخص‌تر و آشکارتر از مردان بوده است و شناخت پیامدهای طلاق مردان مشکل‌تر بوده است اما در بعضی جهات شدت پیامدهای طلاق برای مردان سخت‌تر بوده.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

از تجربیات مردان شرکت‌کننده در تحقیق می‌توان فهمید که پیامدهای هیجانی طلاق برای مردان گاهی به‌شدت زنان، تجربه‌شده است. برخلاف بستر اجتماعی و فرهنگی در بستر شخصی مانند ناراحتی‌های روحی و روانی بعد از طلاق همانند افسردگی و تجربه هیجانات منفی مانند بدبینی و تفکرات منفی، مردان مشارکت‌کننده این پژوهش تجربه‌ای همانند داشته‌اند. مردان بعد از طلاق نسبت به زنان بدبین شده‌اند و همین بدبینی موجب مشکلات هیجانی برای آن‌ها شده است. واکنش‌های هیجانی مردان نسبت به زنان به طلاق شدیدتر بوده است. مردان عصبانیت و خشم زیادی را تجربه کرده بودند. آن مردانی نیز که خود متقاضی طلاق نبوده‌اند احساس طردشدگی کرده‌اند. مردان بیشتر از زنان در این پژوهش به اقدامات رفتاری شدیدتر دست‌زده‌اند، این اقدامات رفتاری ممکن است شامل پناه بردن به اعتیاد، افسردگی، خشونت و سایر اقدامات رفتاری دیگر بوده است یکی از این پیامدهای هیجانی برای مردان اشتغال فکری بعد از طلاق است. مردان نیز همانند زنان به افکار زندگی گذشته، فکر کردن به تقصیرات و گناه‌های خود، احساس پشیمانی و... پرداخته‌اند؛ اما زنان چون مشکلاتشان را بیشتر بیان کرده‌اند این اشتغال فکری برای مردان آسیب‌زننده‌تر بوده است. نمونه‌های اظهارنظر مشارکت‌کنندگان مرد این پژوهش بدین‌صورت بوده است: «افشین» که باوجود سه بچه می‌خواهد طلاق بگیرد. ناراحتی‌های خود را این‌گونه ابراز می‌کند. «احساس شکست می‌کنم. نمی‌دانم آیا می‌توانم کسی دیگه را دوست داشته باشم. مثل یک بمب در حال منفجرشدن هستم». «امید» که به‌سختی در مورد مشکلاتش حرف می‌زند. می‌گوید: «خیلی عصبانی هستم. دارم آتش می‌گیرم. همش به خودم میگم چرا این ازدواج را کردم؟ ذهنم همیشه مشغول است. زنم مرا رها کرد، من پول نداشتم مطمئن بودم اگر پول داشتم مرا ول نمی‌کرد». «احمد» بعد از ۲۲ سال زندگی مشترک می‌گوید: «شاید از دست یک زندگی بد راحت شدم اما ساختن یک زندگی دیگه سخت است، برام اعتماد کردن به زنان سخت است».

بحث

پژوهش حاضر در مورد پیامدهای منفی طلاق برای زنان، مردان و کودکان با پژوهش‌های گذشته همسو است. پژوهش حاضر با تحقیق اخوان تفتی (۱۳۸۲) و کلانتری و همکاران (۱۳۹۰ ب) در مورد اینکه پیامدهای اجتماعی نگرانی‌های اقتصادی برای زنان بیشتر از مردان است همسو است اما با تحقیق مک نایت (۲۰۰۸) در مورد اینکه مشکلات عاطفی برای زنان بیشتر از

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

مردان است مغایر است در پژوهش حاضر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی برای زنان اما برای مردان پیامدهای هیجانی و عاطفی بیشتر تجربه‌شده است؛ اما تحقیق کیفی حاضر که با رویکرد پدیدارشناسی درزمینه پیامدهای طلاق به نتایجی متفاوت‌تر در مقایسه با تحقیقات گذشته دست‌یافته است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد، تجربه پیامدهای طلاق نیز متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی است و به‌صورت یک فرایند تجربه می‌شود، پیامدها برای زنان بیشتر بیرونی و برای مردان درونی تجربه می‌شود، احساس شیء شدگی زنان در تجربه پیامدهای طلاق یک مضمون جدید است که در این پژوهش کشف‌شده است. ابعاد اجتماعی طلاق در ۹ تم اصلی برای زنان بوده است که با تحقیق کیفی اخیر به آن رسیده شده است اما در تحقیقات کمی بیشتر گستردگی پیامدها تا عمق پیامدها مطرح است. مردان به اقدامات رفتاری بیشتر بعد از طلاق دست می‌زنند و آن‌ها نیز پیامدهای هیجانی شدید را تجربه می‌کنند همانند اشتغالات فکری منفی بعد از طلاق، کشف تعارض شدید منفی–منفی زوجین با حضور کودکان در اقدام به طلاق و نقش حضور کودکان در پدیده طلاق. تحقیقات کیفی گذشته (زارعی وهمکاران، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۳ ؛ حسنی وهمکاران ، ۱۳۹۳؛ فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱؛ الحسینی،۱۳۹۰؛ عنایت زاده،۱۳۸۸؛ آبد، ۲۰۱۵؛ گومز–دیاز،۲۰۱۱؛ و شارما،۲۰۱۱) نیز در داخل و خارج کشور به اهمیت ابعاد جنسیتی و فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه پژوهش‌های قبلی شارما (۲۰۱۱) نشان داد که زنان متکی به دوستان و خانواده هستند که با استرس روان‌شناختی و نگرانی‌های مالی طلاق سازگار شوند و آبد (۲۰۱۵) در یک مطالعه کیفی بر روی زنان اتیوپیایی به اهمیت ابعاد جنسیت و فرهنگی و اجتماعی بر تجربه طلاق پی برده‌اند. پژوهش‌های کیفی گذشته بیشتر به‌سختی تجربه طلاق در زنان پرداخته‌اند (عنایت زاده،۱۳۸۸). به‌عنوان نمونه فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفی با عنوان تحلیل جنسیتی زندگی پس از طلاق به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در مقایسه با مردان پیامدهای متفاوتی را تجربه می‌کنند و درمجموع با چالش‌های مضاعفی در زندگی خود پس از طلاق روبرو هستند که به دلیل فرهنگ جنسیتی و نقش‌های جنسیتی است. زارعی وهمکاران (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که زنان مطلقه در جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. پژوهش حاضر نیز در مقایسه با پژوهش‌های کیفی داخلی گذشته در تجربه پیامدهای جنسیتی طلاق برای زنان در بافت اجتماعی و فرهنگی همسو است که به دلیل بافت فرهنگی و اجتماعی این پژوهش‌ها با پژوهش حاضر است، تحقیقات کمی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

صورت گرفته داخلی (کلانتری و همکاران ، ۱۳۹۰ ؛ اخوان تفتی،۱۳۸۲؛ سیف، ۱۳۸۳؛ حفاریان وهمکاران، ۱۳۸۸) نیز در مورد شدت پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای زنان با تحقیق حاضر همسو است اما این پژوهش‌ها به تجربه مردان در بعد هیجانی و شخصی اشاره نکرده‌اند، درحالی‌که بررسی‌های آماتو (۲۰۱٤) در مورد پیامدهای طلاق در آمریکا و کشورهای اروپایی بیشتر متمرکز خطرات سلامت روانی بعد از طلاق بوده است و کمتر به پیامدهای بافت فرهنگی و اجتماعی اشاره‌کرده است. نتایج تحقیق حاضر با پیامدهای هیجانی و اقدامات رفتاری بعد از طلاق در مردان (فلیکس، رابینسون و کیمبرلی[1]، ۲۰۱۳) و در مورد پنهان کردن اظهارات شفاهی و احساسات و علامت‌های جسمانی در مردان پس از طلاق و با و با پژوهش کولبرن (۱۹۹۲؛ به نقل از اوانس[2]، ۲۰۰۰) در مورد پنهان کردن آسیب‌پذیری در مردان همخوان است.

نتیجه گیری

پیامدهای طلاق شامل ۱۲ زیر مضمون بوده است که در سه مضمون اصلی ۱- پیامدهای اجتماعی، فرهنگی ۲- پیامدهای اقتصادی و مالی ۳-پیامدهای شخصی و هیجانی طبقه‌بندی‌شده است. مردان و زنان مشارکت‌کننده این پژوهش در هر سه بعد پیامدهای طلاق را تجربه کرده‌اند اما در نحوه تجربه آن‌ها تفاوت‌های مشهودی وجود داشت. در مصاحبه‌ها مردان وزنان بر پیامدهای متفاوت جنسیتی (مخصوصاً زنان) در تجارب خود تأکید کرده‌اند بر همین مبنا در پیامدهای طلاق تجربه مردان وزنان مشارکت‌کننده این پژوهش از هم تفکیک‌شده است. بیشترین پیامدها برای زنان در بعد اجتماعی و فرهنگی بوده است که شامل ۹ زیر مضمون اعمال کنترل، انگ اجتماعی، سردی روابط اطرافیان، مورد طمع واقع‌شدن، دشواری ازدواج مجدد، هراس از ازدواج، فقدان فرصت ازدواج مجدد، زن در جایگاه اتهام و شیء شدگی (نگاه ابزاری به زنان مطلقه) بوده است. در بعد اقتصادی مضمون مشکلات مالی برای هر دو جنس وجود دارد و از عوامل مهم تعیین‌کننده سازگاری پس از طلاق آن‌ها نیز بوده است. در پیامدهای شخصی طلاق سه مضمون اصلی احساسات بعد از طلاق و خطرات سلامت روانی بعد از طلاق و حضور کودکان ظاهر شد که مضمون احساسات بعد از طلاق شامل احساساتی مانند احساس تنهایی، شکست، قربانی بودگی، تنفر و پشیمانی بوده است و حضور کودکان نقش‌های متفاوتی برای

[1]. Felix, Robinson and Kimberly
[2] .Evans

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

مشارکت‌کنندگان مانند بهبود زندگی زناشویی، ناتوانی در رها کردن زندگی مشترک، تعارض در اقدام به طلاق، از دست رفتن فرصت ازدواج مجدد داشته است.

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر از محیط جغرافیایی خاصی انتخاب شدند. از این نظر، ممکن است نتایج این پژوهش ازلحاظ تعمیم‌پذیری به محیط‌ها و نمونه‌های دیگر دارای محدودیت باشد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌ها و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. این مطالعه دستاوردهای مهمی برای متخصصان حوزهٔ طلاق، خانواده و افراد مطلقه دارد. ضرورت دارد مشاوران و روان‌شناسان بصیر حوزه خانواده و ازدواج با توجه به پیامدهای طلاق به مداخله در آسیب طلاق بپردازند و در این زمینه به آگاه‌سازی افراد بپردازند همچنین به تفاوت‌های جنسیتی در پیامدهای طلاق توجه و طلاق را در بستر فرهنگی و اجتماعی زندگی فرد مطلقه نگاه کنند و از زاویه چندبعدی و سیستمی پدیده طلاق را مطالعه کنند. یافته‌های این پژوهش همچنین آگاهی‌دهنده به زوجینی خواهد بود که در معرض ناسازگاری‌های زناشویی و طلاق هستند. تمرکز پژوهش‌های آینده باید به سمت بررسی بیشتر تفاوت تجربه مردان وزنان و مطالعه عمیق هر یک از پیامدهای طلاق به‌صورت جداگانه باشد.

منابع

اخوان تفتی، م. (۱۳۸۲). پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن. *فصلنامه مطالعات زنان*، ۳(۱)،۱۳٤-۱۳۳.

الحسینی، ف. (۱۳۹۰). گونه شناسی نگرش زنان مطلقه نسبت به طلاق (مطالعه موردی شهر اراک). پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

حسنی، ر. قدرتی، ح. وامیدپور، م. (۱۳۹۳). پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد (پژوهش کیفی). مطالعات علوم اجتماعی، ۱۱(٤۲)، ٤۹-۳۳.

حفاریان، ل، آقایی، اصغر. کجباف، م؛ و کامکار، م. (۱۳۸۸). مقایسهٔ کیفیت زندگی و ابعاد آن در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابط ۀ آن با ویژگی های جمعیت شناختی در شهر شیراز. *پژوهش در روا نشناسی کاربری*، ٤۱(٤)، ۸٦-٤٦.

زارعی، ف. مرقانی خویی، ع. تقدیسی، م؛ و مصلحی، م. (۱۳۹۲). طلاق از دید زن مطلقه: یک پژوهش کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۲(۳)، ۲٤۷-۲۳٤.

سیف، س. (۱۳۸۳). بررسی مقایسه ای میزان پیامدهای طلاق در زنان ومردان مطلقه ی آمریکایی وایرانی. *فصلنامه خانواده پژوهی*،۱(۱)،۱۰٤-۸۲.

عنایت زاده، ل. (۱۳۸۸). *مطالعه تجربه زنان از طلاق در شهرستان سقز: یک مطالعه پدیدارشناسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

فسایی، س؛ و ایثاری، م. (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۳)، ۳۰-۵.

کلانتری، ع. روشن فکر، پ؛ و جواهری، ج. (۱۳۹۰ الف). آثار وپیامدهای طلاق ، مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تاکید بر ملاحظات جنسیتی. زن در توسعه و سیاست، ۹(۳)، ۱۳۱-۱۱۱.

کلانتری، ع،. روشن فکر، پ. و جواهری، ج. (۱۳۹۰ ب). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق درایران. *فصلنامه شورای فرهنگی واجتماعی خانواده*، ۵۳(۱٤)، ۱٦۲-۱۳۰.

محمدپور، ا. (۱۳۹۳). بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطّلقه ی شهر تهران یک مطالعهٔ پدیدارشناسانه. *فصلنامه مشاوره وروان درمانی خانواده*، ٤(۱)، ۱۷۲-۱۳٦.

Abebe, Y. M. (2015). Lived Experiences of Divorced Women in Rural Ethiopia. A Special Focus in Hulet Ejju Enessie Woreda: Addis Zemen Kebele. *International Journal of Political Science and Development*, 3(6), 268-281.

Amato, P. R. (2014). The consequences of divorce for adults and children: An update. *Društvena istraživanja: časopis za opća društvena pitanja, 23*(1), 5-24.

Creswell, J. W. (2013). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc.

Evans, W. (2001). Men's experience of divorce: A qualitative study. Submitted to The Union Institute Graduate School Cincinnati, Ohio,Vol 1.

Felix, D. S., Robinson, W. D., & Jarzynka, K. J. (2013). The influence of divorce on men's health. *Journal of Men's Health, 10*(1), 3-7.

Gómez-Díaz, J. A. (2011). Fenomenología del divorcio (o la ensecia de la separación) en mujeres. *Psicologia & Sociedade, 23*(2), 391-397.

MacQueen, K., & Namey, E. (2012). *Introduction to Thematic Analysis* .Applied thematic analysis: London: SAGE Publications, Inc.

McKnight, B. A. (2009). *An Exploratory Study of the Experience of Individuals Cohabitating Through the Process of Divorce.* Alliant International University, California School of Professional Psychology, San Diego.

Moore, V. L., & Schwebel, A. I. (1993). Factors contributing to divorce: A study of race differences. *Journal of Divorce & Remarriage, 20*(1-2), 123-135.

Sharma, B. (2011). Mental and emotional impact of divorce on women. *Journal ofthe Indian Academy ofApplied Psychology, 37*(1,125-131).

Van Manen, M. (2016). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*: Routledge.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1397.7.11.19.8]